طرحی دیگر برای تئاتر عربی

امیری، وحید

در ادبیات بومی یا فصیح عرب، متنی نمایشی که تمام شرایط و ضوابط تئاتری وضع شده از سوی یونان را داشته باشد، وجود ندارد.تئاتری که رومی‏ها آن را از یونان اقتباس کردند و پس از طی مراحل و دگرگونیهای بسیار، به تئاتر اروپایی معاصر تبدیل گردید.این امر، موضوع تحقیقات فراوانی شده است.بسیاری از محققان هنر تئاتر اعم از مخالف یا موافق، در بحث پیرامون این نکته که عرب، تئاتر داشته یا نداشته، اصرار ورزیده و دلایلی برای موافقت و یا مخالفت خود ذکر کرده‏اند.

آنها که مخالفند می‏گویند:عدم آشنایی قوم عرب با هنر تئاتر زائیده عوامل زیر است:

-بافت تفکر و ترکیب اندیشه عربی.

-اعراب همیشه در حال کوچ بوده‏اند.

-از نمایشهای رومی‏ها که در سوریه و شمال آفریقا به طور پراکنده نمایش داده می‏شده، آگاهی نداشته‏اند.

-اشتغال و سرگرمی آنها به هنر شعر غنایی و بالیدن به این نوع شعر که عمدتا به مدح بزرگان و پادشاهان می‏پرداخته است.

و مدافعان با شور و گرمی خاصی که دست کمی از حرارت مخالفان ندارد، می‏گویند:ما می‏توانیم تعداد فراوانی از مظاهر نمایشی را که دارای ویژگیهای تئاتری نیز باشد، در طول حیات ادبی قوم عرب سراغ کنیم.آن چنانکه«محمد کمال الدین»در کتاب عرب و تئاتر خود گونه‏هایی از آن را نقل کرده است:

-بازارهای ادبی-تجاری دوره جاهلی.

-بازارهای«مربد»و«کناسه»در دوره اسلامی که قرائت شعر در آن مرسوم بوده است.

-تشکیل مراسم دادگاه و محاکمه در مجالسی که به نمایش تئاتر شباهت بسیار داشته است.

-قصه‏گویان در دوره اموی و گفت و گویی که میان آنها و مردم به صورت تئاتر فی البداهه صورت می‏گرفته است که غالبا قصه‏گویان این دوره سوژه اصلی خود را از پیروزیهای عصر اموی الهام می‏گرفتند.

-نمایشهای بومی مانند نقالی در مصر و سوریه و«شهر فرنگ»و«دوره گردها»در الجزایر که شاعر راوی دوره‏گرد «عبد الرحمن مجذوب»در مغرب(قرن شانزدهم)بهترین مثال برای تئاتر فولکوریک در این چارچوب است.

-متنهای ادبی-فولکلوریک:که میان داستان و تئاتر در نوسان است که از جمله آنها می‏توان به کتابهای زیر اشاره کرد:التیجان در احوال پادشاهان«حمیر»، اخبار ملوک الیمن، الفرج بعد الشدة، التوابع و الزوابع و رسالة الغفران، متن القیامه از«ابن محرز الوهرانی»و متن نمایشی شهادت امام حسین ع که قسمتهای سه‏گانه آن به سبک تئاتر مجلسی-دینی است و در چارچوب نمایش تعزیه قرار می‏گیرد که درام این نمایش در قسمت سوم آن یعنی روز عاشورا به اوج خود می‏رسد.

-آیین‏های تولد حضرت رسول ص که در چارچوب تئاتر شادمان(التهانی)قرار می‏گیرد، که البته اجرای این آیین‏ها تنها به شب تولد حضرت رسول ص منحصر نمی‏شود، بلکه در مناسبت‏های دیگری مانند جشن تولد و مراسم عروسی و... برگزار می‏گردد.

-متن‏های نمایشی که با زبان روایی در سرزمینهای عربی سینه به سینه نقل شده است.

-موال، نوعی شعر که با سازهای موسیقی خوانده می‏شده و به دو نوع پنج مصراعی و هفت مصراعی تقسیم می‏گردد.شیخ«کامل الغزی»مورخ حلب در توضیح شعر «موال»در کتاب نهر الذهب فی تاریخ حلب می‏نویسد: «در مجلس عروسی پشت سر عروس و داماد صفی تشکیل می‏شود که در دست هر یک از افراد تشکیل دهنده این صف، شمع یا فانوسی روشن قرار دارد.و در حالی که یک نفر شعر«موال»می‏خواند، بقیه هم‏سرایی می‏کنند که این خواندن و جواب دادن بی‏شباهت به گفت و گوی تئاتری نیست.»

نمونه‏های بالا تنها چند نمونه از انواع بی‏شمار مظاهر نمایشی است که مدافع پرشور را وامی‏دارد تا تأکید کند که هنر تئاتر در زندگی عرب، حتی قبل از پیدایش این هنر در غرب، وجود داشته است.با این وجود بحث ما تنها شامل دفاع پرشور در نفی و اثبات نمی‏شود، زیرا باید در نظر داشت که هر دو گروه موافق و مخالف، مفهوم ارسطویی تئاتر را در نظر داشته و خارج از چارچوب تئاتر یونان آن را بررسی نکرده‏اند. حال آنکه این ظلم بزرگی است که ما با چشم دیگران به این متون و ویژگی خاص آن که جزئی از تمدن و فرهنگ عربی است، نگاه کنیم.زیرا اگر بتوانیم در آنچه که به این امر ارتباط دارد، سیر زندگی را با مسافت حقیقی آن بررسی کنیم، کلیدهایی به دست می‏آوریم که به کمک آنها می‏توان به عوالم نامکشوف راه یافت.باید فرق بگذاریم میان تفکر یونانی که به جمع و خلاصه کردن زندگی در زمان و مکانی محدود(صحنه)تمایل دارد، و میان تفکر عربی-اسلامی که زندگی را از دو بعد حقیقی آن(دنیا و آخرت)نگاه می‏کند. شاید کلید اصلی بحث در همین نکته نهفته باشد که عدم توجه عرب به نمایش‏های رومی رایج در سوریه و شام مانند تئاترهای«بصری»و«تدمر»و یا در شمال آفریقا مانند تئاترهای«تمجاد»و«قرطاج»به این دلیل بوده که تفکر یونانی اندیشه را به خاک پیوند می‏زند و گستره آن را تنها به همین جهان مادی خلاصه می‏کند.حال آنکه تفکر عربی- اسلامی اندیشه را رو به جهان و مطلق هستی باز می‏کند و آن را از محدود به نامحدود رهنمون می‏شود.حال اگر تئاتر را به طور خاص، زبان گفت و گو و دیالوگ بدانیم که در آن انتقال تجربه در موضع هجو یا مدح و یا کمدی یا تراژدی، صورت می‏گیرد و باعث خوشحالی یا اندوه و یا حالات دیگر در تماشاگر می‏شود، زبان شعر عربی اولین زبان است که اساس آن بر گفت و گو و محاوره نهاده شده است.که به عنوان نمونه می‏توان به موارد زیر اشاره کرد:

-خوانندگانی که امرؤالقیس شاعر بزرگ عرب را همراهی‏ طرحی برای یک تئاتر عربی می‏کرده و اشعار او را می‏خواندند.و جمع دیگری از مردم که برای شنیدن شعر و تفریح و سرگرمی با شاعر سفر می‏کردند.

-در زمان پیامبر نماینده بنی تمیم به همراه«زبرقان بن بدر»به عنوان شاعر و«عطارد بن حاجب»به عنوان خطیب برای فخر فروختن به مسلمانان و سرزنش کردن آنان، حاضر می‏شوند.از طرف دیگر، مسلمانان نیز«حسان بن ثابت» شاعر و«ثابت بن قیس»خطیب را در جمع خود دارند.در این میان صحنه نمایشی پرشوری در می‏گیرد و شاعر و خطیب هر گروه، منولوگ‏های شعری و نثری بلند خود را قرائت می‏کنند که در نهایت حاصل این گفت و گو به وحدت اندیشه و قوام یافتن تفکر اسلامی و یا به شک و جدل منتهی می‏شود.

-گفت و گوی مباهله حضرت رسول ص و یارانش از یک طرف و نماینده نجران و طرفدارانش از سوی دیگر، صحنه‏ای از صحنه‏های تئاتری است که در نوع خود جالب و بی‏نظیر است، و ویژگی عمده آن بالا رفتن سطح آگاهی مردم و موضع‏گیری فکری-سیاسی آنان بوده است.همچنین از این دیدگاه زندگی با ابعاد حقیقی آن بررسی می‏شود و تنها به اختصار و یا انبوده بودن آن بر روی صحنه‏ای محدود خلاصه نمی‏شود.

-مجادلات«فرزدق»و«جریر»در بازار مربد که برای تماشاگر پی‏گیر نمایش، سرگرم کننده بود.در این نمایش هر یک از شاعران لباس خاص می‏پوشید.فررزدق حله زیبایی بر تن می‏کرد و سوار بر قاطر می‏شد.جریر نیز زره بر تن کرده و کلاه خود بر سر می‏گذاشت و شمشیر به کمر می‏بست.سپس هر دو به همراه طرفداران خویش وارد صحنه- بازار مربد-می‏شدند و مبارزه شعری-تئاتری خود را آغاز می‏کردند که گاه منولوگ طولانی یکی از طرفین جدل، شامل یک نقیضه-شعر کامل-می‏گردید.

-تا این اواخر مردم در قهوه‏خانه‏ها و شب‏زنده‏داری‏ها، جمع می‏شدند و با شرکت ابتدایی خود در صحنه نمایش از آن لذت می‏بردند.مانند اجرای داستانهای هزار و یکشب که یک بازیگر بیشتر نداشت که همان«نقال»بود.در این مراسم دیوار از میان صحنه(نقال بر روی دکه چوبی)و مردم تماشاگر(قهوه‏خانه نشین‏ها و شب‏زنده‏دارها)و دهانها و شمها برداشته می‏شد، چرا که همزمان با نقل عبارات و تغییر یافتن چهره نقال احساسات مردم نیز به فراخور موضوع نقل گل می‏کرد.مثلا در جایی که قهرمان داستان در تنگنایی می‏افتاد مردم فریاد می‏زدند:«خدا او را حفظ کند»و یا در قسمتی از داستان که خیانتی روی می‏داد می‏گفتند:«بر خیانتکار لعنت»و در هنگام فتح و پیروزی فریاد می‏زدند: «سپاس خدای را که کمکش کرد و یاری‏اش داد».و یا هنگامی که قهرمان داستان عملیات شگفت خود را آغاز می‏کرد می‏گفتند:«خدا تو را یاری کند ای عنتره» 2 و یا هنگامی که نقال، شعر و یا رجز قهرمان داستان را می‏خواند و یا طبیعت را وصف می‏کرد مردم فریاد می‏زدند«طیب، طیب، طیب اللّه».و این شرکت همگانی مردم در نمایش، گاه به صورت دو گروه موافق و مخالف صورت می‏گرفت.یک عده طرفدار عنتره و عده‏ای دیگر مخالف آن، که در این میان گاه بحث و جدل به جایی می‏رسید که به زدوخورد نیز منجر می‏گردید.نقالان هم همیشه به بهانه اینکه زمان نمایش به پایان رسیده، داستان را در نقطه حساس و اوج نمایشی آن متوقف می‏کردند و بقیه ماجرا را در شب بعد پی می‏گرفتند. معروف است که یکی از نقالان شبی نمایش خود را با زندانی کردن قهرمان داستان یعنی عنتره به پایان می‏برد و راهی خانه خود می‏شود.یکی از تماشاگران طاقت نیاورده، و پس از چند ساعت به خانه نقال می‏رود و نیمه شب او را از خواب بیدار می‏کند که:بیا و عنتره را از زندان خارج کن.

چنانکه گفته شد اشتباه و خطای محققان تئاتر عربی اعم از موافق یا مخالف، در آنجاست که تئاتر عربی را از دیدگاه یونانی و ارسطویی آن بررسی کرده‏اند.حال آنکه شایسته‏ است با توجه به میراث غنی ادبی-اسلامی، خودمان قوانین و ضوابطی برای تئاتر عربی-اسلامی پی‏ریزی کنیم.همان‏گونه که علمای نحو با استفاده از آثار ادبی مدون، ضوابط و قواعد نحو زبان عربی را نوشتند.برای دستیابی به این مهم می‏توانیم متنهای قدیمی ادبی-مذهبی فرهنگمان را به خاطر غنای آنها به صورت تئاتر و نمایش بازنویسی کنیم.در این راستا و برای روشن کردن چراغ اول، نمایشنامه‏ای با استفاده از آیات قرآنی نوشته‏ایم که صحنه‏ای از آن را در اینجا می‏آوریم.البته قبل از هر چیز لازم است توضیحاتی را پیرامون آن یادآور شویم.

در قرآن گفت و گوها و صحنه‏های دراماتیکی وجود دارد که غنی‏ترین آنها گفت‏وگوهایی است که در جهنم صورت می‏گیرد و جنبه تصویری و نمایشی آن بسیار بالاست، و لذا باید در نظر داشت که پس از آماده شدن متن برای تئاتر لازم است کارگردانی آن نیز با ظرافت و هوشیاری صورت گیرد تا تصویرها و نکته‏های پنهانی نمایش، دقیق‏تر و بهتر ارائه شوند، زیرا خداوند در قرآن همواره یک حادثه را از زاویه‏های گوناگون بررسی می‏کند و تصویرهای متفاوتی را از یک حادثه واحد ارائه می‏دهد، و لذا کارگردان باید سعی کند که حتی الامکان تصویرهای پنهانی را آشکار ساخته و اجرای آن را طوری با همدیگر مرتبط سازد که به بافت حادثه اصلی خللی وارد نیاید.

\*\*\*

مکان:دورنمای آتش روبروی دری باز که در امتداد آن دره‏ها و گودال‏ها پیداست.

زمان:آینده‏ای غیر عادی و گذشته‏ای عادی.

شخصیت‏ها:صدای حق، گروه جدید دوزخیان، گروه قدیم دوزخیان و مالکان دوزخ.

(از آن طرف دیوارهای آتشین، صدای آمدن گروههای عذاب شونده شنیده می‏شود)

صدای حق:چه شدند آنهایی که به جای خداوند خود می‏خواندید؟

گروه جدید دوزخیان:گمشان کردیم.

صدای حق:در زمره گروهی از جن و انس که پیش از شما به آتش جهنم داخل شدند، در آیید.هرگاه گروهی در آتش داخل شوند همکیشان خود را لعنت کنند.

(درهای جهنم باز می‏شود و گروه جدید داخل می‏شوند. مالکان دوزخ با چهره‏های وحشتناک و نفس‏های عفن و گند آلود به استقبالشان می‏آیند)

مالکان دوزخ:آیا برای راهنمایی شما پیامبرانی نیامدند؟

جماعت اول از گروه جدید:آری، برای رهبری ما پیامبرانی فرستاده شد ولی ما آنها را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند چیزی را نفرستاده و نازل نکرده است.

جماعت دوم از گروه جدید:اگر ما به سخن(پیامبران) گوش می‏دادیم و اندیشه می‏کردیم اینک از زمره دوزخیان نبودیم.

مالکان دوزخ:(به گروه قدیم که در جهنم هستند اشاره می‏کنند):این است گروهی که با شما به دوزخ می‏آیند.

گروه قدیم از دوزخیان:(از گروه تازه‏روی بر می‏گردانند)آنها را خوش آمدی نیست که آنها به آتش فروزان-دوزخ-درآیند.

گروه تازه وارد به دوزخ:(گردن‏های گروه قدیم را می‏گیرند)بلکه شما را خوش آمدی نیست!شما ما را به دوزخ هدایت کردید.چه بد آرامگاهی است.

(دو گروه با همدیگر درگیر می‏شوند.پس از مدتی، ناتوان و خوار، خسته و ذلیل رو به خدا می‏گویند)

دو گروه قدیم و جدید با هم:پروردگارا عذاب آنان را که موجب این عذاب شدند و ما را گمراه کردند دو چندان نما!

(بعضی از افراد گروه قدیم، جانی دوباره می‏گیرند و در میان گروههای تازه، آشنایان خود را می‏جویند.)

جماعتی از دوزخیان گروه قدیم:چرا ما آنانی را که در دنیا از بدکاران می‏شمردیم و مسخره‏شان می‏کردیم، نمی‏بینیم؟

(سکوت، آن طرف دیوار آتش، اهل بهشت در کنار حوض کوثر نشسته‏اند و از شراب گوارای بهشتی می‏نوشند.گروه جدید دوزخیان، لحظه‏ای نعمت‏های بهشت را می‏بینند.بیشتر خشمگین می‏شوند و با کینه به گروه قدیم نگاه می‏کنند.)

جماعتی از گروه جدید دوزخیان:(با اشاره به گروه قدیم)پروردگارا اینها بودند که ما را گمراه کردند پس عذابشان را افزونتر نما!

(سکوتی دوباره در می‏گیرد.گروه قدیم، گروه جدید را خیره خیره نگاه می‏کنند.شکستگی و خواری در نگاهشان پیداست صورت‏هایشان سیاه و آتشین است و بر روی شعله‏های آتش می‏گردند.)

جماعت اول از گروه قدیم:ای کاش ما در دنیا از خدا و رسولش اطاعت می‏کردیم.

جماعت دوم از گروه قدیم:خداوندا ما مطیع فرمان پیشوایان فاسد و گمراه خود بودیم.اکنون عذاب آنها را مضاعف گردان و برای همیشه از رحمت خویش دورشان ساز!

صدای حق:هر کس را به قدر استحقاقش عذاب کنم ولیکن شما نمی‏دانید.

گروه قدیم از دوزخیان:(سرزنش کنان به گروه تازه)شما را بر ما برتری نباشد(هر دو در گناه یکسانیم)

(آتش چهره هر دو را در بر می‏گیرد.صورتشان از فرط سرخی آتش سیاه می‏شود)

هر دو گروه از دوزخیان:(شتاب زده و بی‏قرار)ای کاش ما به دنیا بر می‏گشتیم و هیچگاه آیات خداوند را تکذیب نمی‏کردیم و از مؤمنان می‏بودیم.

(آتش هر دو گروه را در بر می‏گیرد و آنها را به دره گناهان پرتاب می‏کند.جهنم آماده پذیرایی می‏شود!مارهای بزرگ و عقرب‏های درشت وحشتناک هر دو گروه را در میان می‏گیرد.)

صدای حق:پس بچشید عذاب را به آنچه که کافر بودید.

\*\*\*

در این نمایش که تمام دیالوگ‏های آن از آیات سوره‏های مختلف قرآن استخراج شده است 3 ، بیشتر عناصر دراماتیک یافت می‏شود:خروج از زمان و مکان سنتی و معمول، حادثه نمایشی، حرکت تئاتری، دیالوگهای سریع و کوتاه، عنصر غافلگیری، تأثیر و تأثر، ویژگی تعلیم و تزکیه، وجود شخصیت‏هایی که معمولا در تئاتر حماسی(ملحمی) یافت می‏شوند، همچون دو گروه قدیم و جدید که دو طرف درگیری هستند، مالکان دوزخ که بیشتر شبیه گروه همسرایان می‏باشند، صدای حق که سرنوشت و عاقبت دو گروه درگیر را برای آنها روشن و عذاب و عقابشان را توجیه می‏کند.

همچنین باید گفت این صحنه تئاتر قرآنی به دلیل ویژگیهایی که در ذیل می‏آید از تئاترهای یونان متمایز می‏گردد:

-معقول و واقعی بودن گفت و گو و دیالوگ که از واقعیت زمینی نشأت گرفته و مرکب از اجزای همین واقعیت است. واقعیت قابل تصوری که جدال مرگ و زندگی نیز در نهایت به آن منتهی می‏گردد.

-تصویری مادی و محسوس که با زندگی و حرکت، جریان می‏یابد.

-رهایی از جبر کوری که قهرمان تئاتر یونان در چنگال آن اسیر است، و آگاهی به این نکته که رقم زننده عاقبت خیر یا شر انسان، خود انسان است.

-شرکت خدا و مالکان دوزخ در گفت و گویی انسانی و آزاد با انسان که حادثه را منطقی می‏کند و مسافت بین دو جهان-دنیا و آخرت-را کاهش می‏دهد.

-ارشاد یا تعلیم غیر مستقیم تا آنجا که از ذکر جزئیات خودداری می‏کند و تنها به ذکر کلیاتی می‏پردازد که راه درست و اندیشه صحیح را به انسان بنمایاند.

-دگرگونی:صحنه‏های قرآنی تنها به این بسنده نمی‏کند که واقعیت فکر بشری و راه و روش آن را برملا سازد. بلکه سعی در تفسیر و دگرگون ساختن آن دارد، و این تفسیر و دگرگونی را نیز تنها بر اساس ترساندن انسان از عالم غیب (روز آخر)استوار نمی‏سازد.بلکه با کنار زدن پرده‏های ظاهری دنیا به انسان کمک می‏کند تا شیوه زندگی‏اش را تغییر دهد و تفکر ناصواب خویش را تصحیح نماید و راه و روش درستی را در زندگی پیش بگیرد.

-و کلام آخر اینکه درام در صحنه‏های قرآنی، درام تغییر و دگرگونی است.

یادداشتها:

1.این مقاله ترجمه خلاصه شده‏ای است از بخش اول مقاله«طرحی دیگر برای تئاتر عربی»نوشته«عبد الفتاح قلعه‏چی»که در مجله «الموقف الادبی»شماره(149 و 150)به چاپ رسیده است.

2.عنتره:عنترة بن شداد بن عمرو بن معاویه بن قراد عبسی.از مشهورترین سوارکاران(فارسان)عرب در دوره جاهلیت.وی در طبقه اول شعرا قرار دارد و از اهالی نجد می‏باشد.عنتره به مناعت طبع و پاک سرشتی در میان اعراب اشتهار داشت.کتابی که به عنتره نسبت می‏دهند، داستان خیالی به نام قصه عنتره می‏باشد که فرنگیان آن را یکی از بهترین آثار ادبی عربی محسوب می‏دارند-نقل به اختصار از فرهنگ معین.

3.آیه‏های قرآنی متن نمایش به ترتیب:سوره‏های اعراف آیه 37، ملک آیه 8، ص آیه 60، احزاب آیه‏های 66 و 67، اعراف آیه 38، انعام آیه 27 می‏باشد.